

سربه هوا



فکر زحل و مریخ	هی خاک و خلی کردم	این دفعه ی اوّل نیست	زشت است که اوضاعم
در فکر فضا بودم	شلوار سیاهم را	پیش همه می افتم	هر روز همین باشد
بد جور زمین خوردم	بد شد که ندیدم باز	خوب است برای خود	می خواهم از این لحظه
چون سربه هوا بودم	سنگ سر را هم را	فکری بکنم کم کم	چشمم به زمین باشد

